



# انترناسیونال

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



## ۱۷۰ ضمیمه

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

سه شنبه، ۲۸ آذر ۱۳۸۵، ۱۹ دسامبر ۲۰۰۶

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سر دبیر: محسن ابراهیمی

## انقلابی که با سرود انترناسیونال شروع شود با سوسیالیسم پیروز میشود برآمد تازه جنبش سرنگونی و عروج چپ



حمید تقوایی

جنبش کارگری را نشان میدهد. سر فصل این مبارزات، مبارزه کارگران شرکت واحد بود که گر چه به خواستهای نرسید ولی از نظر درجه همبستگی و سازمانیافتگی و

صفحه ۲



۱۶ آذر ۸۵ در دانشگاه تهران

اخیر مدام رو به گسترش بوده است و هم از نظر وسعت و تعدد و هم از لحاظ تعرضی بودن و مطالباتی که مطرح میکنند بر آمد تازه ای در

اعتراضی رادیکالی بود که در یکسال گذشته در عرصه های مختلف شاهد بوده ایم. اعتصابات کارگری در یکساله

سرخ شعارهایی بچشم میخورد که مضمونش به همان اندازه رنگ متن آنها سرخ و رادیکال بود. دانشجویان آزادی و برابری و سوسیالیسم را خواستند و دفاعشان را از زندانیان سیاسی و جنبش کارگری و جنبش آزادی زن اعلام کردند. دانشجویان بعنوان نماینده و بلندگوی تمایل عمومی ای که در جامعه هست عمل کردند. و این نکته مهمی است که باید کمی بر آن مکث کرد.

### زمینه های شانزده آذر سرخ

شانزده آذر نقطه اوج تحرکات

این نوشته بر مبنای سخنرانی در جلسه اینترنتی در روز ۱۳ دسامبر تنظیم شده است.

شانزده آذر امسال نشان دهنده درجه رشد و نفوذ چپ و خواستهای رادیکال انسانی چپ در جنبش دانشجویی بود. نه تنها از نظر شعارها و مضمون بلکه همچنین از لحاظ ابعاد و سطح گسترده ای که مراسم شانزده آذر به خود گرفت. در چندین شهر و در تجمعات وسیعی این مراسم برگزار شد. دانشجویان در تهران در دانشگاه را شکستند و در صحن دانشگاه مراسم را بر پا کردند. بر پرچم ها و پلاکاردهای

## زنده باد حزب! زنده باد سوسیالیسم!

مقابل انگلستان دیگر قرار بگیرد تا بتواند ابزاری را بر دارد که در مقابل طبیعت از خودش دفاع کند، امروز باید بشر در مقابل بمب اتم از خودش دفاع کند. در مقابل جنگهایی که در چهارگوشه دنیا راه انداخته اند از خودش دفاع کند. در مقابل گرسنگی از خود دفاع کند که زندگی اکثریت عظیمی از ساکنین کره ارض را در چنگال خودش گرفته. باید از جان کودکانی دفاع کند که حیوانات درنده ویا زلزله و سیل و صاعقه آنها را نمی کشد، نظام اجتماعی می کشدشان. سالی میلیونها کودک از بین میروند بخاطر امراض و کمبودهایی که همه

صفحه ۴

وفیزیکش تکامل پیدا کرده است و به این ترتیب نسل بشری باقی مانده است و خود را حفظ کرده است. امروز وقتی تاریخ اجتماعی و سیاسی را مد نظر قرار میدید، می بینید از بدو پیدایش جوامع طبقاتی محور این مبارزه برای بقا دیگر طبیعت نیست. دیگر آتش، زلزله، میکروب و مرض و طبیعت وحشی نیست که بقای بشر را تهدید میکند، خطر و عامل تهدید خود جامعه طبقاتی است. خود سازمان اجتماعی است که بشر برای بقای خود ایجاد کرده است. اگر زمانی میبایست آن حیوانی که هنوز انسان نبود از درخت بیاید پائین و روی دو پا قرار بگیرد و ستون فقراتش رشد کند و مغزش رشد کند و شستش در

آن برسند. سوسیالیسم فقط شعار و برنامه و یا یک سیستم فکری که به آن قانع شدیم نیست. فعالیت و مبارزه برای تحقق فوری سوسیالیسم و در زندگی نسل حاضر فلسفه وجودی این حزب و محور پراتیک هر روزه آنست. حزب ما حزب انقلاب سوسیالیستی است، نه بخاطر اینکه ما تصمیم گرفتیم این اتفاق بیافتد بلکه به این دلیل که این يك ضرورت است. بشر در طول تاریخ تکاملش آنطوری که داروین توضیح میدهد برای بقا طی میلیونها سال با طبیعت جنگیده است، بیولوژی

اش چه بود الان کجا قرار دارد و میخواهد به کجا برود. وجه مشخصه ای که حزب ما را از همه نیروهایی چپی که در گذشته بودند و امروز هم بقایای آنها وجود دارند متمایز میکند اساسا این هست که این حزب برای تحقق فوری سوسیالیسم تشکیل شده است. حزب ما میخواهد دنیا را بر اساس آرمان و هدف انسانی سوسیالیسم تغییر بدهد و این مشغله و فعالیت هر روزه اوست. سوسیالیسم برای ما نه یک فرمول تئوریک است و نه یک هدف دور دستی که قرار است نسلهای بعدی به

این نوشته بر مبنای سخنرانی در تورنتو در جشن پانزدهمین سالگرد تشکیل حزب در روزیست و پنجم نوامبر تنظیم شده است. با تشکر از زفیق امیر توکلی بخاطر پیاده کردن دقیق متن سخنرانی. حمید تقوایی

دوستان خیلی خوش آمدید، به همه شما سالگرد حزب را تبریک میگویم. صحتی که من اینجا میکنم طولانی نیست، این مراسم جشن بزرگداشت حزب است و نمی خواهم وقتتان را زیاد بگیرم. ولی لازم است که مختصر هم که شده بگویم این حزب تاریخچه شکلگیری

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ انقلابی که با سرود انترناسیونال ...

خصلت علنی و رودرو مبارزه و جلب حمایت جامعه و حتی جلب حمایت بین المللی جای ویژه و برجسته‌ای در جنبش کارگری یافت و نقطه عطفی در جنبش کارگری بود. بعد از این مبارزه ما شاهد رشد مبارزات و اعتصابات کارگری در يك مقیاس سراسری بوده ایم.

بعنوان آخرین نمونه در سفر احمدی نژاد به کردستان دیدیم که کارگران پنج کارخانه و واحد تولیدی متحدانه به خیابان می‌آیند. آن هم در شرایطی که کردستان را در يك حالت شبه حکومت نظامی فرو برده اند. کارگران پنج کارخانه به خیابان می‌آیند، در مرکز شهر تجمع میکنند و وزیر کار را به مواخذه میکشند و میگویند باید در جمع ما حاضر شود و به ما پاسخ بدهد. این اتفاق درجه تعرضی بودن و سازمانیافتگی حرکت کارگران را به نمایش میگذارد. این يك حرکت خودبخودی نبود. در شرایطی که همه شهر را برای سفر احمدی نژاد تحت کنترل گرفته اند این اعتراض نمیتوانست يك حرکت خود بخودی باشد. این حرکت اعتراضی سازمانیافته‌ای بود که توانست آن جوی که حکومت میخواست ایجاد کند و رئیس جمهورش را با لباس کردی و لبخند کریه "مهوروزی" به نمایش بگذارد بشکند و بساط عوامفریبیشان را به هم بزند. معنی و نتایج این حرکت از خود جنبش کارگری فراتر می‌رود. در این حرکت اعتراضی کارگران به نماینده مردم در برابر رژیم تبدیل شدند و بساط تبلیغاتی که بخاطر سفر احمدی نژاد برآه انداخته بودند از جانب جنبش کارگری جواب درخوری گرفت.

یکی دیگر از تحولات پیش در آمد شانزده آذر مراسم روز جهانی کودک بود. این مراسم هم در مقیاس وسیع و بیسابقه ای انجام شد. در تجمعات چند هزار نفره. در تهران حدود سه هزار نفر و در سنجند و چندین شهر دیگر نیز جمعیت زیادی در این روز گرد آمدند و اعلام کردند کودکان مقدمند. در ایران روز کودک روزی است کاملاً سیاسی. يك واقعه و تحولی است که جنبش مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی به آن شکل میدهد و این اساسا با مراسمهای مشابهی که در

با تسامح و تساهل میخواستند کاری بکنند، فمینیستهای اسلامی و غیره در جنبش زنان بیشتر و بیشتر منزوی میشوند و چپ در این جنبش تقویت شده و نفوذ و مقبولیت بیشتری پیدا میکند. اینها همه نشان میدهد که کلا در افکار عمومی و تمایل و گرایش عمومی جامعه این گرایش آزادیخواهانه و برابری طلبانه و چپ و سوسیالیستی مدام دارد قوی تر میشود، گسترش مییابد و دست بالا را پیدا میکند.

### عبور از احمدی نژاد

يك اهمیت شانزده آذر امسال این بود که صریح و رودر ور در مقابل احمدی نژاد ایستاد. دولت احمدی

به نمایندگی از جامعه به احمدی نژاد میگویند باید گورش را گم کند. جنبش دانشجویی قبالا همین بلا را بر سر خاتمی آورد و رفسنجانی را هم در دوره انتخابات، کارگران اجازه ندادند در استادیوم آزادی سخنرانی کند و الان به شکل رادیکال تر و تعرضی تری همین برخورد با احمدی نژاد میشود. جامعه همانطور که از خاتمی و رفسنجانی عبور کرد از احمدی نژاد هم عبور کرد. و این را دانشجویان بطور علنی و روشن اعلام کردند. این مناسبات و توازن قوای جدیدی میان مردم و حکومت برقرار میکنند. رئیس جمهوری که عکس اش را در خود آن جامعه آتش بزنند و با شعار



نژاد باهدف سرکوب و ارباب جامعه روی کار آمد و البته از همان روز اول معلوم شد قادر به اعمال این سیاست نیست. فوراً معلوم شد آن صدای پای فاشیسم و سونامی که مردم را از آن میتراسانند توفان در فنجان بوده است و مردم اجازه نمیدهند. دیگر دوره سی خرداد شصت نیست و جمهور اسلامی آن قدرت بگیر و ببند را ندارد و جنبش اعتراضی مردم قوی تر از آنست که آن ارباب و اختناق بعد از سی خرداد شصت را بتوانند در جامعه برقرار کنند. شانزده آذر و بدنبال آن اعتراض دانشجویان پلی تکنیک در بیست آذر بطور مشخص عبور از احمدی نژاد را اعلام کرد. احمدی نژاد را در دانشگاه پلی تکنیک هو کردند و با شعار فاشیست برو گمشو جوابش را دادند. اجازه ندادند سخنرانی کنند و عکس اش را به آتش کشیدند. به نظر من این اتفاق آغازگر دور جدیدی در مقابله مردم با حکومت است. نه به این معنی که مردم از ابتدا توهمی به دولت احمدی نژاد داشتند بلکه به این عنوان که علنا و صریحا دانشجویان از قول جامعه و

فاشیست برو گمشو به استقبالش بروند نه تنها دیگر نمیتواند دولت قدر قدرتی باشد بلکه علنا و رسماً مشروعیت و اعتبار خودش را از دست داده است. جامعه اعلام کرده این حکومت مشروعیتی ندارد و باید برود. وقتی به رئیس جمهور رژیم میگویند گمشو در واقع میگویند کل این حکومت باید گورش را گم کند. دانشجویان حکم سرنگونی جمهوری اسلامی را رویاروی رئیس جمهورش صریح و رسا اعلام کرده اند.

### بر آمد تازه جنبش سرنگونی و عروج چپ

این حرکتها به نظر من نشان میدهد جنبش انقلابی مردم به دوره تازی ای پا میگردد. مهمترین ویژگی این دوره گسترش نقد سوسیالیستی در میان فعالین جنبش سرنگونی است. ما مدتهاست بر وجود يك جنبش عظیم اعتراضی، يك جنبش سرنگونی طلبانه و انقلابی در جامعه تاکید کرده ایم. جنبشی که به شکل شورشهای شهری خود را نشان میدهد، در شکل اعتصابات

کارگری بروز میکند، شکل تظاهراتهای شهری را دارد، به شکل تجمعات در روزهای مختلف و بمناسبتهای مختلف، روز اول مه و روز کودک و هشتم مارس بروز پیدا میکند و غیره و غیره. این جنبش يك لحظه متوقف نشده است. وقتی از تعرض جدید صحبت میکنیم در واقع میگوئیم هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی این جنبش به مرحله عالی تر یعنی چپ تر و رادیکال تری وارد شده است.

آزادی برابری مدتهاست شعار تظاهراتها و تجمعات اعتراضی مردم است. بخصوص در جنبش دانشجویی چندین سال متوالی است که آزادی برابری شعار این جنبش است و این دیگر تثبیت شده است. در سال گذشته نیز دانشجویان وقتی در بیستم آذر جمع شدند این شعار يك شعار اصلی بود. امروز پیشروان و فعالین جنبش سرنگونی از آزادی و برابری فراتر رفته اند و در شعارها و پلاکاردها و بیانیه ها و قطعنامه ها و سخنرانیهایشان سوسیالیسم را مطرح میکنند. نقد سوسیالیستی وضعیت موجود در میان فعالین جا باز میکند و همه گیر میشود.

شعار سوسیالیسم پیاخیز برای رفع تبعیض حدود دوسال قبل در خیابانها داده شد. شعار سوسیالیسم تنها ره رهایی در شهرهای کردستان داده شد، در شورشهای شهری این شعار داده میشود و امروز دیگر بصورت علنی و نه بصورت شبنامه و یا فریاد فرد بی چهره ای در يك جمعیت بلکه در متن بیانیه های با امضا و در متن سخنرانیها و بر پلاکاردهای سرخ و بزرگ سوسیالیسم را مبینیم و میشنویم. و نه تنها شعار سوسیالیسم بلکه اعتراض سوسیالیستی به وضع موجود مضمون قطعنامه ها و بیانیه ها و سخنرانیهای مراسمها و تجمعات است.

### سرود انترناسیونال، سرود اعتراض و انقلاب

در مراسم یادبود پوینده و مختاری که در روز هفده آذر در تهران در يك اجتماع سه هزار نفره برگزار شد اعلام شد که سوسیالیسم تنها راه رهایی است. و جمعیت دست در دست هم سرود انترناسیونال خواند.

## از صفحه ۲ انقلابی که با سرود انترناسیونال ...

نفس خواندن این سرود شاخص مهمی است. این اولین بار نیست که این سرود خوانده میشود. از روز اول ماه مه و قبل از آن هم به مناسبت‌های مختلف این سرود خوانده شد. در اول ماه مه کارگرانی که در دانشگاه مراسمی داشتند این سرود را خواندند، در گورستان خاوران در بزرگداشت قربانیان کشتار شصت و هفت این سرود خوانده شد و امروز میبینیم در مراسم یادبود قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای مردم همین سرود را میخوانند. به نظر من اهمیت سیاسی و اجتماعی این امر بسیار فراتر از اینست که مردم فقط سرودی را انتخاب کرده‌اند و میخوانند. سرود انترناسیونال سرود کارگران جهان است، سرود اتحاد جهانی کارگرانست، سرود کمونیستها و سوسیالیستها است، سرود نیروهائی است که برای زیور و کردن نظام سرمایه مبارزه میکنند. سرود نیروهائی است که همانطور که در روز جهانی کودک اعلام کردند میخوانند این دنیای وارونه را تغییر بدهند. و مردمی که این سرود را میخوانند همه اینها را میدانند. جوانان سرود بین‌المللی کارگران را آگاهانه انتخاب کرده‌اند. و این سرود دارد به سرود انقلابی که در حال شکل‌گیری است تبدیل میشود. انقلاب پنجاه و هفت با سرود مرغ سحر ناله سر کن شروع شد و امروز مردم با سرود انترناسیونال به استقبال انقلاب دیگری میروند. انقلابی که با سرود انترناسیونال شروع شود با سوسیالیسم پیروز میشود. مردم دارند اعلام میکنند این انقلاب سوسیالیستی است.

### نه به آلت‌ناتوهای قومی - ملی - مذهبی

یکی از شعارهای شانزده آذر امسال "یک زمین یک نژاد" بود. در سال گذشته نیز دانشجویان در بیانیه خود اعلام کردند "یک نژاد آن هم نژاد انسانی". این شعاری است که دانشجویان با آن دارند جواب نیروهای قومپرست و ناسیونالیست و فدرالیست را میدهند. این شعار معنی سیاسی مشخصی دارد. این فقط یک آرمان انسانی نیست، که البته از این نظر هم خیلی ارزشمند

است، اما در شرایط سیاسی حاضر مشخصاً این شعار نه به قومپرستی است، نه به ناسیونالیسم است، نه به نژاد پرستی است نه به حکومت‌های قومی ملی مذهبی است نه به فدرالیسم است. یک زمین یک نژاد، و یک انسان. این شعاری است که کاملاً با سرود انترناسیونال انطباق و خوانائی دارد. در مقابل جهانی که



به همه چیز رنگ قومی و ملی و مذهبی زده‌اند از موقعیت یکسان انسان صحبت میکنند و بطریق اولی میگویند جامعه‌ای را در ایران میخوانیم که انسان محورش باشد و



انسان در آن نمایندگی بشود. این شعار اعلام میکند این نسخه‌هایی که از بالا برای مردم می‌پیچند، نسخه‌های ملی مذهبی قومی را نمیخواهیم و دیدگاهی که به انسانها چیزی بجز هویت و اهداف و خواستها و منافع انسانیشان را الصاق میکند قبول نداریم. این شعار بر علیه نظام سیاسی و فلسفه اجتماعی نظم سرمایه است که انسانها را بر اساس مذهب و قومیت و نژاد و ملیت و جنسیت بسته بندی میکند و جامعه را بصورت ملقمه‌ای از اقوام و مذاهب مختلف تعریف میکند. آن کاری که دارند در عراق و در افغانستان و حتی در خود غرب میکنند. جنبش اعتراضی مردم در ایران اعلام میکند که این آلت‌ناتوهای راست و ارتجاعی را نمی‌پذیرد.

### موقعیت چپ در جامعه

ممکن است گفته شود اینها خواست فعالین جنبش دانشجویی و یا حداکثر بخشی از جوانان است و نه همه مردم. اما دیوار چین بین مردم و جوانان نکشیده‌اند. هیچوقت جنبش دانشجویی فقط از قول خودش حرف نزده است. جوانان وقتی اعتراض میکنند وقتی جلو می‌آیند فقط نقش پیشرو خود را نشان میدهند و نه انحصاری بودن

وارد یک مرحله عالیتری شده‌ایم. مبارزات اعتراضی از آزادی و برابری فرا تر میروند و روشنی و صراحت سوسیالیسم را مطرح میکنند. نقد سوسیالیستی به وضعیت موجود را طرح میکنند. یعنی نقدی که طبقه کارگر دارد. این "نه" کارگری دارد. مطلوبیت پیدا میکند و در جامعه جا باز میکنند. در جنبش دانشجویی، در جنبش زنان، در جنبش دفاع از حقوق کودک، این روی آوری به نقد سوسیالیستی روندی است که آغاز شده و گسترش پیدا میکند. بطور واقعی ریشه همه دردها جامعه سرمایه داری است و مردم برای حل مسائلمان به راه حل طبقه کارگر روی می‌آورند. مردم از نسخه‌های ملی اسلامی عبور کرده‌اند، رادیکالیزه شده‌اند و پیشروانشان پرچم سوسیالیسم را بلند کرده‌اند.

امروز در ایران اگر کسی طرفدار آزادی هست، اگر کسی طرفدار برابری هست، اگر کسی یک جامعه سکولار میخواهد، اگر کسی حتی فقط یک جامعه مدنی و مدنیت و تمدن میخواهد، اگر کسی شادی و مدرنیسم میخواهد، اگر کسی انسانیت میخواهد، اگر کسی میخواهد زنان در این وضعیت درجه پنجم نباشند، اگر کسی میخواهد پدیده زشت و دردآور کودکان خیابانی حل بشود و کودکان از یک زندگی شاد و انسانی برخوردار باشند، هر کس هر یک از این خواستها را دارد نمیتواند سوسیالیسم را نخواهد. هر انسان دوست پیگیری باید سوسیالیست باشد. برای اینکه استثمار بر بیافتد، برای اینکه تبعیض بر بیافتد، برای اینکه ستم هر روزه بر زنان بر بیافتد، برای اینکه جامعه دستخوش وضعیت مثل عراق نشود، برای اینکه دوباره این اسلام نرود نوع دیگری بجایش بیاید، برای رهائی و آزادی جامعه فقط باید سوسیالیسم را خواست. سوسیالیسم تنها راه رهائی است. هر انسان دوست واقعی و پیگیر و منسجمی باید سوسیالیست باشد. هر آزادیخواه واقعی باید سوسیالیست باشد. این را پیشروان جامعه، پیشروان جنبشهای اعتراضی دارند با صدای بلند اعلام میکنند. این را اعلام میکنند و میتوانند در سطح علنی و با

صراحت بگویند بخاطر اینکه بر متن جامعه‌ای قرار دارند که میل و گرایش اش همین است. اگر جامعه به راست تمایل داشت جنبش دانشجویی نمیتوانست به چپ بچرخد. سوسیالیسم در شعارها و قطعنامه‌ها و سرودهای تجمعات اعتراضی جرقه‌ها و بارقه‌هایی از رشد و گسترش چپ در جنبش سرگونی طلبانه مردم است. موج عظیمی در راه است که باید به استقبال رفت.

### حزب و مبارزه در عرصه قدرت سیاسی

حزب ما حزب پرچمدار سوسیالیسم در جامعه است. سوسیالیسمی که اساس اش انسان است. حزبی که برنامه یک دنیای بهتر را در نقد سرمایه داری و برای رسیدن به آزادی و برابری و سوسیالیسم مدتهاست اعلام کرده است. حزب ما یک افتخار این هست که در ایجاد این شرایط نقش داشته است و انتظار و توقعی که از این حزب میروند اینست که این حرکت و جنبش عظیم را نمایندگی کند، سازمان بدهد و سوسیالیسم حزب ما را فرا میخوانند. انقلاب دارد ما را فرامیخواند. و پرچم سوسیالیسم را مدتهاست که حزب ما برافراشته است. تنها حزب ما است که میتواند و باید این حرکت را به یک جنبش عظیم و سازمان یافته بر علیه جمهوری اسلامی و علیه کل نظم سرمایه داری تبدیل کند. مبارزه به سرعت به عرصه نبرد بر سر قدرت سیاسی کشیده میشود. و حزب ما این رادیکالیسم و تمایل عمومی در جنبش کارگری و در جنبشهای تعرضی بخشهای دیگر جامعه به سوسیالیسم و آزادی و برابری را نمایندگی میکند. در نهایت همه چیز به بود و نبود حکومت موجود گره میخورد. تا وقتی این رژیم هست هیچک از خواستهای مردم برآورده نخواهد شد. و مردمی که امروز به نظر میرسند دارند برای مطالبات مشخص و مقطعی مبارزه میکنند در واقع از نظر جهت گیری و از نظر آنچه واقعا میخواهند و درجه و عمق اعتراض واقعی شان سرگونی طلب هستند. و به این خاطر است که ما همیشه تاکید کرده



## از صفحه ۱ زنده باد حزب ...

آنها قابل پیشگیری است، قابل معالجه است. آن چیزی که بقای بشریت امروز را تهدید میکند دیگر طبیعت نیست، مدتهاست که دیگر نیست، بلکه خود جامعه ای است که برایمان ساخته اند. امروز کسی از ترس حمله حیوانات وحشی نیست که خوابش نمی برد، از ترس جنگهای قومی - ملی - مذهبی و یا کابوس حمله "شوک و وحشت" چکمه پوشان نظم نوین است. همین امروز مردم ایران در زیر این کابوس زندگی میکنند و تمام مردم دنیا مدتهاست با این کابوس سر میکنند که روزی دیوانه ای یک دکمه قرمزی را فشار بدهد و دنیا را منفجر کند. زرادخانه های اتمی تنها دولت‌هایی که در شورای امنیت جمع شده اند و نقش ژاندارم اتمی دنیا را هم ایفا میکنند، برای ده بار زیر و رو کردن کل کره ارض کافی است. بشریت برای بقا می‌جنگد ولی دیگر نه در مقابل طبیعت، بلکه در مقابل خودش! چرا اینطور است؟ عقل بشر کم شده؟ بشریت دیوانه شده است؟ خودش را دوست ندارد؟ میل به بقا جای خود را به میل به انهدام داده است؟ نمیداند دنیا دارد از بین می‌رود؟ خود دولت‌ها دارند پیش بینی میکنند که بمب اتم به کنار، همین آلودگی محیط زیست و پدیده "گلوبال وارمینگ"، بالا رفتن دمای کره زمین، ممکن است که تا صد سال دیگر نصف کره ارض را زیر آب ببرد. چه کسی در مقابل اینکه برویم جلو این فجایع را بگیریم مقاومت میکند؟ نه تنها در مقابل آن مقاومت میکند بلکه خود عامل بوجود آورنده و تشدید کننده این فجایع است؟ چه چیزی محیط زیست را آلوده میکند؟ چه کسی جنگها را راه میاندازد؟ بمب اتمها در دست کی است؟ این ارتش‌ها که درست کردند برای چه است؟ وقتی دقت میکنید می بینید سیل و صاعقه و وحوش دنیای ما آنهايي هستند که در پارلمانها و در کابینه ها نشسته اند، و تصمیم میگیرند. طبقه حاکمه و دولتها و دار و دسته های حاکم در همه کشورها، در برابر این وحوش قرن بیست و یک چگونه باید از خود دفاع کنیم؟ اگر یک روزی دست ما تکامل یافت و توانستیم ابزاری درست کنیم که

شکم مان را سیر کنیم و در برابر عوارض طبیعی از خود محافظت کنیم، امروز در مقابل این دنیایی که به طور واقعی و بدون یک درجه اغراق موجودیت بشریت کره ارض را تهدید میکند چه ابزاری داریم؟ ابزار امروز ما چه هست؟ یک روز بشر سنگی را تیز میکرد، چوبی را برمیداشت، در غاری مخفی میشد و از خودش دفاع میکرد و نسل اش را ادامه میداد! این سنگ تیزی که امروز باید برداریم چی است؟ چطور باید جنگید، چکار باید کرد؟

پاسخ روشن است. این جنگ، جنگ طبقاتی است و ابزار آن حزب است. حزبی که بتوانیم با آن دنیا را تغییر دهیم و بشریت را حفظ کنیم. حزبی می‌خواهیم که این حقیقتها را بشناسد، مردم را آگاه کند و مهمتر از این نیرو جمع کند و بسیج کند برای اینکه برویم بشریت را به آن زندگی برسانیم که شایسته آنست. بشریت امروز با این قدرت عظیم تکنولوژیک میتواند صدها برابر رفاهی را که امروز تولید شده و تنها بخش معدودی از جامعه از آن بهره مند است، در اختیار همه بگذارد و تمام کره ارض را با آن پوشاند. بشر برای انجام این کار به ابزار نیاز دارد و این ابزار چیزی جز حزب نمی تواند باشد.

حزب کمونیست کارگری پاسخ ما به این نیاز بشریت است. علت وجودی این حزب سازماندهی انقلاب سوسیالیستی است اما حزب ما تا همین امروز در عرصه های مختلفی انقلاب کرده است. اولین انقلاب در باورها و روشهای چپ سنتی و فرقه ای بود. سیاستها و آرمانها و شیوه های کار چپ موجود در مقطع انقلاب پنجاه و هفت هیچ شباهتی به ابزار نجات انسان و رهایی انسان ندارد. در ایران نمونه و سمبل چنین حزبی حزب توده است. وقتی به سراغ آرمانهای چنین احزابی میروید می بینید یک ملقمه ای از فرهنگ خودمان، از شرق زدگی و حمله به سگ زنجیری امپریالیسم است باضافه اینکه ما باید بتوانیم صنعت خودمان را داشته باشیم و صنایع مونتاژ بد است و ذوب آهن می‌خواهیم و اهدافی از این قبیل. این آن جنگی نیست که قرار بود بکنیم! اکثریت

عظیم تحت استثمار و ستم جامعه، خارج محدوده نشین ها، کودکان خیابانی، کارگران بیکار، کارگران شاغلی که همین امروز سه شیفته کار میکنند و هنوز خرج زندگی شان در نمی آید، نمیفهمند چنین حزبی چه ربطی به زندگی آنها دارد. آن انسان غار نشین می فهمید این اسلحه ای که به دست گرفته، این چوب دستی که درست کرده، این سنگی که تراش داده است به چه دردش میخورد، اما انسان دردمند امروز ضرورت و خاصیت چنین حزبی را نمیفهمد. اولین انقلابی که حزب ما کرد و اولین انقلاب منصور بود. تشکیل حزب حول سوسیالیسم و حول انسانیت. حزب بعنوان ابزار تحقق سوسیالیسمی که اساس آن انسان است. این حزبی برای برگشت به فرهنگ خودمان نیست، برای استقلال نیست، برای صنعتی شدن نیست، برای جدا کردن بورژوازی خوب از بد نیست، برای کمک به اقشار میانی که بتوانند صنعت را رشد بدهند نیست، برای تمامیت ارضی و دموکراسی اسلامی هم نیست. این حزب دردمندان است. حزبی که می‌خواهد دردها را جواب بدهد. درد مردم ایران درد مشترک مردم همه دنیا است. به خاورمیانه نگاه کنید، به آفریقا نگاه کنید، نود درصد مردم دنیا ببینید در چه شرایط فاجعه باری زندگی میکنند. اولین انقلابی که کمونیسم کارگری کرد نشان دادن این حقیقت بود که اهداف و سیاستهای که آن زمان به اسم چپ اعلام میشد، و هنوز هم در حاشیه جامعه وجود داد، ربطی به کمونیسم و سوسیالیسم ندارد. مردمی که حزب می‌خواهند، اسلحه می‌خواهند تا برای بقا و نجات خود، برای رهایی و آزادی خود بجنگند. حزب کمونیست کارگری این اسلحه است. ما برای ایجاد این حزب اول باید با چپ سنتی و غیر کارگری تمایزاتمان را روشن می‌کردیم. اول باید تفاوتی ما که منصور حکمت نوشت، نوشته میشد و گفته میشد تفاوت ما با آنچه به اسم کمونیسم شناخته شده اما هیچ ربطی به آرمانهای رهاشبخش کمونیسم ندارد در چیست. باید گفته میشد ما در آرمانمان، در سیاستمان، در تئوری حزیمان، در پراتیکمان، در برخوردمان به

جامعه، در برخوردمان به قدرت سیاسی چه می‌گوئیم و چه تمایزی داریم. یک تمایز اساسی ما اینست که ما یک حزب سیاسی با هدف تصرف قدرت و تحقق فوری سوسیالیسم هستیم. حزبی با هدف فوری رهایی و آزادی و برابری کل جامعه. حزبی که اسلحه کارگران و اکثریت مردم علیه نظم ضد انسانی سرمایه است. حزبی که ابزار مبارزه مردم برای انسانیت و برای رفاه و آزادی و برابری است. آزادی و برابری تنها آرمان مردم امروز دنیا نیست، آرمان چند هزار ساله ای است که همیشه بشریت گرفتار در جامعه طبقاتی خواهان آن بوده است و برای تحقق اش مبارزه کرده است. مارکسیسم تئوری نشان دادن راه تحقق این آرمان است اما چپ غیر کارگری آنرا به علم چه نباید کرد و اداره منکرات تبدیل کرده بود. می‌گفتند اگر مارکسیست هستید نمی توانید به این آسانی حزب درست کنید، اگر مارکسیست هستید نمی توانید علنی مبارزه کنید، اگر مارکسیست هستید حرف از قدرت سیاسی نمی توانید بزنید! اینان بقول منصور حکمت کائنان سرخپوش معبد تاریخ اند که تاریخ را نظاره میکنند ببینند طبق تئوری هایشان پیش می‌رود یا نه! ببینند نیروهای مولده به اندازه کافی رشد کرده، ببینند ماتریالیسم دیالکتیک خوب کار میکند!

این چپ را باید اول از زیر این آوار در می آوردیم و اولین قدم در این راه این بود که باید انسان را را محور قرار میدادید. برای اولین بار در چپ ایران کمونیسمی بوجود آمد، من ادعا میکنم در چپ دنیا کمونیسمی بوجود آمد، که در اپوزیسیون و قبل از اینکه به قدرت سیاسی برسد جان انسانها را نجات میدهد. حزبی که مساله کودک را سیاسی میکند و بر مرکز توجه جامعه میکشاند. جشن روز جهانی کودک که الان در ایران گرفته میشود در دنیا بی نظیر است. همه جای دنیا البته روز کودک گرمای داشته میشود و حقوق کودکان در بسیاری از کشورها بیشتر از ایران رعایت میشود ولی این فقط در ایران است که در روز جهانی کودک اعلام میشود این دنیای وارونه را باید تغییر داد و مسئول وضعیت کودکان نظم سرمایه داری است.

فقط در ایران است که تجمعات دو هزار و سه هزار نفر برگزار میشود و در دفاع از حقوق کودک بیانیه ضد سرمایه داری صادر میکنند. در هیچ جای دیگر دنیا این را نداریم، و پیش کسوت این حرکت حزبی است که مدتها قبل از توجه جامعه به این مساله اعلام داشته کودکان مقدمند. امروز ببینید که در ایران اسلامزده جشن کودکان میگیرند. در کجا؟ نه تنها در تهران و سنندج بلکه در قروه و در سقز هم! جشنی که شما در شهرهای سوئیس انتظارش را دارید. این حزب انقلابی که کرده است، در انتظارات، توقعات، و تبیین ها از چپ و از کمونیسم و از حزب است. عرصه های دیگر را ببینید. مبارزه برای حقوق پناهندگان را ببینید، مبارزه علیه سنگسار، مبارزه علیه اعدام. حزب منتظر نشده است که قدرت سیاسی را بگیرد و بعد به سراغ پیاده کردن برنامه و سیاستهایش برود. این در تاریخ بی نظیر است. من نمی‌شناسم چپی را که در اپوزیسیون، وقتی هنوز به قدرت سیاسی نرسیده، همانقدر که میتواند و امکانش را دارد دست به تغییر دنیا بزند و زندگی مردم را ارتقا بدهد. نه بعنوان تاکتیکی برای نزدیک شدن به قدرت، نه مثل وعده انتخاباتی که احزاب پارلمانی در دوره انتخابات میدهند، و نه بعنوان تبلیغ برای مطرح کردن خودش. بلکه برای اینکه خود مردم را رها کند. امر این حزب رهائی انسانها است، و هر جا و به هر اندازه که میتواند عامل این رهائی است. منصور حکمت می گفت گرفتن قدرت سیاسی برای ما گذار از تفسیر جهان به تغییر جهان است. حزب قدرت سیاسی را می‌خواهد برای اینکه بتواند این تغییراتی که امروز انجام میدهد بطور برگشت ناپذیری در زندگی میلیونها انسان در سطح خیلی گسترده تر و همه جانبه تری پیاده کند. معلوم است که در اپوزیسیون شما ده نفر را از اعدام نجات میدهید، صد هزار نفر اعدام میشوند! هزار نفر را از جهنم جمهوری اسلامی بدر میبرید و پناهندگی را میگیرید هزاران نفرشان همچنان در مرز ترکیه و عراق و غیرو آواره اند. برای ایفای

از صفحه ۴ **زنده باد حزب ...**

حقوق کودکان می‌جنگید، کودکان کار و خیابان در ایران آمارشان هر روز بالا می‌رود. حزب باید قدرت سیاسی را بگیرد تا همین کاری که امروز دارد می‌کند را ضریب صد هزار بکند. من بارها گفته‌ام هر حزبی را بر وی برد با برنامه اش و تبلیغاتش بسنجید و ما را با عملکردمان. عملی که ما می‌کنیم بقیه حتی حرفش را هم نمی‌زنند. حرفش را نمی‌زند، می‌گویند نمی‌شود زود است، اشتباه می‌کنید، باید اجازه بدهید جامعه کم کم فرهنگش رشد کند، نمی‌توانید اینکار را بکنید. و ما با عملمان نشان می‌دهیم که می‌شود و می‌توانیم.

این حزب، امید مردم است. این نه شعار است و نه تعریف از خود است و نه مبالغه است. آن کسی که از زندان به ما تلفن می‌کند، آن محکوم به اعدامی که از وکیلش می‌خواهد با ما تماس بگیرد، آن پناهنده‌ای که از زندان ترکیه و یا از مرز عراق با فدراسیون تماس می‌گیرد، آن کسی که از کمپ تیپف عراق فرار می‌کند و به ما زنگ می‌زند و کمک می‌خواهد، به ما امید بسته است.

نمیدانم تا چه حد مساله کمپ تیپف را دنبال کرده‌اید. کمپی در عراق در مرز اردن درست کرده‌اند از دو دست نفر از فراریان از سازمان مجاهدین. سازمان مجاهدین این افراد را خائن مینامد، دولت آمریکا به آنها می‌گوید اسیر جنگی، و جمهوری اسلامی هم دندان تیز کرده که آنها را برگرداند به ایران و روزگارش را سیاه کند. یکی از این افراد از کمپ فرار می‌کند، خود را به ترکیه می‌رساند و به فدراسیون پناهندگی تلفن می‌زند و می‌گوید من به نمایندگی از دو دست نفر که در چنین وضعیتی گرفتار شده‌ام از شما کمک می‌خواهم. می‌گوید کس دیگری به داد ما نمی‌رسد. تنها امیدمان شما هستید. این اتفاق به نظر من بطور سمبلیک و گویائی دنیای نظم نوین جهانی را تصویر می‌کند. نمایندگان دو قطب تروریستی زمانه ما، دولت آمریکا و جمهوری اسلامی، به‌همراه یک نیروی ملی-اسلامی سناریوی سیاهی، انسانها را در چنگال خود می‌فشارند

وله می‌کنند. و مردمی که در چنگال تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی گرفتار آمده‌اند، به کمونست‌ها روی می‌آورند. اسیران کمپ تیپف اسرای نظم نوین جهانی هستند، و این حزب ما است که مظهر رهائی و آزادی، و هرجا و به هر اندازه می‌تواند، عامل رهائی مردم از مصائب این دنیای غیر انسانی است.

منصور حکمت گفت که دنیا بدون امید سوسیالیسم منجلائی بیش نخواهد بود. این فقط یک شعار و گفته تبلیغی نیست، من کلمه به کلمه این جمله را در زندگی هر روزه این حزب دارم می‌بینم و حس می‌کنم. وقتی که منصور حکمت این حزب را ساخت این امید را زنده نگه داشت. در چه شرایطی، بقول خودش در طلوع خونین نظم نوین جهانی. زمانی که ارتجاعی ترین و هارترین نیروهای طرفدار سرمایه داری بازار آزاد افسار گسیختند و از هفتاد طرف بر سر کمونست‌ها ریختند که بگویند دوران عدالتخواهی و برابری طلبی و آرمانگرایی تمام شده است، دنیا دنیای سرمایه است، دنیای رقابت است، و سرمایه و رشد سرمایه محور و اساس و فلسفه همه چیز است. باید کار کنید و ریاضت بکشید. همانطور که آقای داریوش همایون می‌گوید اگر در ایران قدرت را بگیریم تا سی سال دیگر طبقه کارگر باید جان بکند، کمر بندش را سفت کند، کار کند و کم مزد بگیرد تا بقول او ایران آباد شود! از جیب طبقه کارگر می‌خواهند ایران را آباد کنند!

حزب کمونیست کارگری در دل هجوم مدافعین بی شرم سرمایه و استثمار به انسانیت و مدنیت ساخته شد. حزبی که مشعل امید به سوسیالیسم و انسانیت را زنده نگاهداشت. منصور حکمت می‌گوید دنیا بدون امید سوسیالیسم منجلائی بیش نیست و امروز مردمی که به نحوی با حزب و فعالیت‌هایش سر و کار داشته‌اند همین را به شما می‌گویند. کبرا رحمانپور همین را به شما می‌گوید، حاجیه اسماعیلوند همین را می‌گوید. آن پناهنده‌ای که از زندان ترکیه با فدراسیون تماس گرفته

است همین را به شما می‌گوید، آن خانواده‌ای که در تورنتو اگر ما نبودیم الان دادگاه‌های شریعه زندگیشان را تباہ کرده بود همین را به شما می‌گوید! مردمی که به ادبیات و تئوریهای مارکسیستی آشنائی ندارند و احتمالاً گفته منصور حکمت را هم نشنیده‌اند اما حرف دلشان همین است: بدون امید به سوسیالیسم دنیا منجلائی بیش نیست!

فقط برای یک لحظه فکر کنید که حزب کمونیست کارگری در این پانزده سال وجود نداشت. آنوقت تصور کنید در چه وضعیتی می‌بودیم. چه صدای دادخواهی ای داشتیم؟ برنامه یک دنیای بهتر را چه کسی مینوشت، چه کسی از انقلاب ۵۷ دفاع می‌کرد و میگفت این انقلاب شکست نخوردگان است؟ چه کسی در مقابل دوستان دروغین مردم می‌ایستاد و افشایشان می‌کرد؟ چه کسی جلوی طرح رژیم چنچ و رفانوم و نافرمانی مدنی و شخصیت سازی شبیه شیرین عبادی و گنجی و غیره و غیره می‌ایستاد؟ چه کسی در برابر اسلام سیاسی و نظم نوین جهانی می‌ایستاد؟ بدون این حزب افق انقلاب و آزادی و سوسیالیسم کور می‌شد. میدانم هنوز دستان به هیچ جا بند نیست، هنوز قدرت سیاسی را نگرفته‌ایم، هنوز آن میلیونها کودک، هنوز آن میلیونها زن، آن میلیونها کارگر دارند بی حقوقی می‌کشند، استثمار میشوند، تبعیض در حق شان روا میشود، سنگسار میشوند، اعدام میشوند، کشته میشوند. هنوز کودکان خیابانی در خیابانها می‌خوابند و فردا صبح بیدار نمیشوند. همه این اتفاقات دارد می‌افتد. ولی شما این نور را می‌بینید، این امید را می‌بینید. این حزب فقط به زندگی اعضا و کادرهایش معنی نمیدهد، اگر فاصله بگیرد و نگاه کنید می‌بینید این حزب تا هر جایی رفته است، تا هر جا از آن شنیده‌اند، تا هر جا تاثیر گذاشته، این امید را با خودش برده است. آن موقعی که می‌گفتند کنفرانس برلینی‌ها، آن موقعی که میگفتند کانال جدیدی ها، آن موقع که اعتصاب واحد شد، همین هفته پیش که پنج مرکز کارگری در روزی که جناب احمدی نژاد وارد سندانج میشود تجمع

می‌کنند، اعتراض می‌کنند، بقیه مقامات را می‌گیرند و می‌خواهند وزیر کار بیاید به آنان جواب دهد. آن هم در دل آن حکومت نیمه نظامی که در شهرهای کردستان برای گشت و گذار جناب احمدی نژاد براه راه انداخته بودند. در همه این مقاطع حضور و نقش و تاثیر حزب را می‌بینید. وقتی در گورستان خاوران در سالگرد جانباختگان سرود انترناسیونال می‌خوانند، در روز اول ماه مه عطفنامه سوسیالیستی میدهند، و در روز شانزده آذر می‌گویند یک نژاد آنهم نژاد انسانی و پرچم آزادی و برابری و سوسیالیسم را بلند می‌کنند، شما حضور اجتماعی حزب را حس می‌کنید. خیلی از این فعالین عضو ما نیستند و ما در بسیاری از این تحولات مستقیماً دخالتی نداشته‌ایم، ولی بحث بر سر این نیست. بحث این است که حزب ما شعله‌ای بر افروخته که گرما و نورش تا اعماق جامعه می‌رود.

به نظر من حزب کمونیست کارگری ایران با هیچ متر و معیار و محکی که سنتا احزاب را با آن می‌سنجند قابل سنجش نیست. در سطح دیگری است، طور دیگری باید به آن نگاه کرد. چقدر در کریزورهای قدرت تحویلتان می‌گیرند، در انتالفها و بده بستانهای بالائینها چه وزنه ای هستید، چند تا کرسی پارلمان را می‌توانید بگیرید، با اینها سراغ حزب ما نیائید! برنامه اقتصادی‌تان برای صنعتی کردن و برای رشد نیروهای تولیدی و برای اینکه خرده بورژوازی نیمه مرفه، مرفه بشود چه است، با اینها سراغ حزب ما نیائید. بیائید از ما بپرسید جان چند نفر را نجات داده‌ایم، از ما بپرسید تا کجا در برنامه و عملمان از حرمت انسانها دفاع کرده‌ایم، از ما بپرسید چند نفر بخاطر وجود حزب ما انتظارات و توقعاتشان از زندگی بالا رفته است و یک جور دیگری به خودشان و به دنیا فکر می‌کنند. منصور حکمت در کنگره سه گفت می‌شود توقع مردمی که انتظارات کمی دارند را پائین نگه نداشت ولی وقتی انتظارات و توقعشان بالا رفت دیگر نمی‌توانید آنرا پائین بیاورید. یکی از مهمترین کارهایی که حزب ما و برنامه یک دنیای بهتر کرده است بالا بردن انتظار و توقع مردم از یک جامعه انسانی و درخور شان انسان

است. ما نقدی از جامعه و درکی از آزادی از برابری و رفاه را به دل جامعه بردیم که دیگر کسی به وعده های استحاله چپها و دگر اندیشی پاسدار- ولترها و اصلاحات نیم بند و دموکراسی پناهیهایی توخالی و غیره رضایت نمیدهد. دیگر کسی نمی‌تواند گذشته را به جای آینده به مردم وعده بدهد. کسی نمیتواند بگوید جمهوری اسلامی خیلی بد است و برگردیم مثل پنجاه سال قبل زندگی کنیم! کسی این را نمی‌پذیرد. نمی‌توانید بگوئید فرانسه انقلاب صنعتی کرده است ما هم اول باید انقلاب صنعتی مان را بکنیم. ما هم اول باید تمرین دموکراسی بکنیم تا بعداً آزاد شویم! اینها را نمیشود به مردم ایران فروخت. تا آنجا که حرارت و نور حزب ما رفته است نمیشود کسی را با این نوع وعده‌ها آرام کرد. ما اجازه نداده‌ایم! و این راهی است که تا به آخر تا پیروزی انقلاب سوسیالیستی باید طی کنیم. امروز این ضرورت، این وظیفه تاریخی در برابر ماست که انقلاب اجتماعی مان را بکنیم و سوسیالیسم و برابری و آزادی را در یک جامعه هفتاد میلیونی متحقق بکنیم. میتوانیم، از ما این انتظار می‌رود، جامعه این انتظار و توقع را از ما دارد که بعنوان رهبر و سازمانده انقلابی که شکل می‌گیرد در عرصه حاضر باشیم و قدرت سیاسی را بگیریم. قدرت سیاسی بقول منصور حکمت آن حلقه ای است که ما را از مفسرین جهان به تغییر دهندگان جهان تبدیل می‌کند.

این حزب موجب افتخار است، حزبی است که ما همه به آن افتخار می‌کنیم، عضوهایش، کادرهایش در هر سطحی هر کس که در این تاریخ پانزده ساله نقشی داشته با معنی ای که به زندگی خودش داده است و دیگر داده است، به این حزب افتخار می‌کند ولی بحث بر سر افتخارات و غرور و یا قناعت به آنچه کرده‌ایم و راهی که تا حالا آمده‌ایم نیست. بحث بر سر این است که اگر موقعیت امروز حزب را نبینیم و نقش این حزب و مکان این حزب و قدر این حزب را شناسیم و ندانیم آنوقت نمیتوانیم تا آخر راه را برویم. گذشته را باید شناخت، موقعیت

از صفحه ۵ **زنده باد حزب ...**

امروز را باید شناخت، برای اینکه بتوان به وظایف سهمگین و وظایف تاریخ سازی که روبروی ما است پاسخ گفت. این حزب همانطور که منصور حکمت تاکید میکرد میتواند به حزب سیاسی ای تبدیل شود که در هر کوچه و خیابانی بیاید سراغش و عضوش شوند. جای خودشان را این حزب ببینند و راه اعتراض و مبارزه شان را پیدا کنند. مبارزه و اعتراض ساخته من و شما نیست نه ما میتوانیم بوجودش بیآوریم و نه امثال خمینی و خامنه ای و بوش و رامسفلد میتوانند جلویش را بگیرند. مبارزه

آنست، به پیروزی رساندن آنست. حزب ما با اتکا به دستاوردها و موقعیتی که در جامعه بدست آورده میتواند از موقعیتی برخوردار هست که به نماینده و سخنگو و رهبر جنبش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی تبدیل شود و با سرنگونی حکومت اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی آزادی و برابری و رفاه را در جامعه برقرار کند. انقلابی که در ایران در حال شکل گیری است ما را فرا میخواند و ما با تمام قوا به پیشواز آن میرویم. من یکبار دیگر تشکیل حزب را به همه شما تبریک میگویم. با آرزوی پیروزی، زنده باد حزب.\*

**تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:**

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

**شماره حساب ها:**

**انگلیسی:**

Account nr. 45477981  
Sort code: 60-24-23  
Account holder: WPI  
Branch: wood green  
Bank: Nat West

**سوئد:**

پست جیرو 3-60 639 60  
صاحب حساب IKK

**آلمان:**

Dariussh safa  
Konto Nr:894922303  
Kredit Institut  
Post bank Hannover  
BLZ:25010030

**کانادا:**

TD Canada Trust  
A. Mikanik  
transit#1672  
Institution#504  
Acc#6235975

اگر از ایران ارسال میکنید: میتونید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم. تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

از صفحه ۳ **انقلابی که با سرود انترناسیونال ...**

ایم این جنبشهای مختلف نهرهائی هستند از رود عظیم جنبش سرنگونی. نکته ای که اینجا باید برآن تاکید کنم اینست که این تعرض جدید مستقیماً مبارزه را به عرصه قدرت سیاسی میکشاند. و در این عرصه حزب کمونیست کارگری نقش تعیین کننده ای ایفا میکند. مدتهاست که جمهوری اسلامی بعنوان يك حکومت پوسیده است، قدرتی ندارد، در حال مرگ است، آنچه باید ضربه نهائی را به این رژیم بزند آن نیروئی است که مردم باید بعنوان رهبر اعتراض خود به وضعیت موجود و در نتیجه بعنوان حکومت مطلوب خود انتخاب کنند، به صفوفش بپیوندند و سیاستهایش را عملی کنند. حزب ما باید برای ایفای این نقش آماده میشود. امروز جامعه به سوی سوسیالیسمی که حزب ما مظهر و نماینده آنست روی می آورد و حزب ما باید پرچم سوسیالیسم و پرچم جمهوری سوسیالیستی را در پیشاپیش جامعه برافرازد. اعتراض مردم باید در سطح هرچه وسیعتری به يك اعتراض رادیکال و عمیق سوسیالیستی به وضع موجود ارتقا پیدا کند و جمهوری سوسیالیستی باید به آلترناتیو حکومتی همه آن پیشروان و فعالینی تبدیل شود که امروز پرچم آزادی و برابری و یا سوسیالیسم یا بربریت را برافراشته اند و سرود انترناسیونال میخوانند و اعلام میکنند این دنیای وارونه را

این جنبش گرایش چپ و سوسیالیستی است. پیش کسوتان و رهبران عملی و دست اندرکاران این مبارزات باید به نقش خودشان و به جایگاه آن عرصه معینی که در آن درگیرند در کل این یورش که جامعه دارد به جمهوری اسلامی میکنند و میروند که رادیکال تر و وسیعتر بشود واقف باشند. باید جنبشهای اعتراضی علیه جمهوری اسلامی خود آگاه شوند، نقش سیاسی خود را ببینند، با هم متحد شوند و ریسمان این اتحاد و همراهی و هم جیتی نقد سوسیالیستی نظام موجود است. این حرکتی است که شروع شده است. مردم به میدان می آیند که کلیت این حکومت را به مصاف بطلبند. و نه بعنوان يك حرکت کور و خودبخودی بلکه بعنوان يك حرکت سازمان یافته و چپ که آزادی، برابری، سوسیالیسم شعارش است و انترناسیونال سرود مارش پیشروی اوست. این جنبش به حزب ما نیاز دارد. جامعه حزب ما را بمیدان فرامیخواند. و ما آستینها را بالا میزنیم و با تمام توان و امکاناتمان به پیشواز انقلابی میرویم که در ایران شکل میگيرد. امیدوارم همه فعالین، همه دست اندرکاران و همه مبارزینی که آرمانی جز آزادی و برابر ندارند به نقش مهم و تعیین کننده خودشان در جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی واقف باشند، حول سیاستهای حزب گرد بیایند و به حزب ما بپیوندند. جامعه نیازمند آزادی و برابری و سوسیالیسم است و

**تلویزیون انترناسیونال**

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ به وقت تهران

**مشخصات فنی آنتن**

Satellite: Telstar 12  
Frequency: 11494  
Symbol Rate: 17469  
FEC: 3/4  
Vertical

**به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!**

هیچ چیز پرشور تر و انسانی تر از پاسخگویی به این نیاز نیست.\*